موضع گیری نویسندگی و تعهد پذیری دانشجویان دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی در نگارش رساله

هدف این مطالعه بررسی موضع گیری دانشجویان دکتری ایرانی والتزام آنها درنگارش رساله اشان است. شرکت کنندگان این مطالعه شامل دانشجویان دکتری ایرانی بودند وداده ها برای تحلیل متن رساله های دکتری آنها بودند. تحلیل گفتمان برروی متون داده ها به منظورمشخص نمودن موضع گیری وتعهد دانشجویان بر اساس مدل Hyland (2008) انجام گرفت. به طور کلی نتایج نشان داد که دانشجویان دکتری ایرانی ازتمامی المان های موضع گیری استفاده می کنند، اگرچه برخی از المان ها بیشترازبقیه استفاده می شوند. برای مثال استفاده ازنشان گرهای موضع گیری شامل " *actually* حقیقتا"،" *believe(s)* باورداشتن"، " *, certain* قطعیت"، "واضح بودن *clear* "، "مطلق بودن *definite* "، " *demonstrate* روشن نمودن" و" *establish* بنانهادن" حدود 12.3 % دررساله مورد استفاده قرارگرفت این درحالی است که استفاده از ارجاع به خود نویسنده مانند "من"، "مرا"، "ما"، "محقق یا محقیقن" 39.04 %تمام نشان گر های موضع گیری راتشکیل می داد. بادرنظرگرفتن نشان گرهای تعهد، نتایج نشان داد که تمام نشان گرهای تعهد به غیرازنشان گرهای تعهد مانند سوالات و هدایت گرها درمتن داده ها وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که استفاده از کلماتی مانند Key درصد فراوانی 12.42% داشتند درحالی که درصد فراوانی افعال کمکی مانند have to, must, need, ought, و should 59.62% بود.

کلمات کلیدی: موضع گیری نویسنده، موضع، نشان گرهای تعهد، تحلیل متن، نگارش دانشگاهی

1.مقدمه

هدف این مطالعه بررسی موضع گیری دانشجویان دکتری ایرانی والتزام آنها درنگارش رساله اشان است. شرکت کنندگان این مطالعه شامل دانشجویان دکتری ایرانی بودند وداده ها برای تحلیل متن رساله های دکتری آنها بودند. تحلیل گفتمان برروی متون داده ها به منظورمشخص نمودن موضع گیری وتعهد دانشجویان بر اساس مدل Hyland (2008) انجام گرفت. به طور کلی نتایج نشان داد که دانشجویان دکتری ایرانی ازتمامی المان های موضع گیری استفاده می کنند، اگرچه برخی از المان ها بیشترازبقیه استفاده می شوند. برای مثال استفاده ازنشان گرهای موضع گیری شامل " *actually* حقیقتا"،" *believe(s)* باورداشتن"، " *, certain* قطعیت"، "واضح بودن *clear* "، "مطلق بودن *definite* "، " *demonstrate* روشن نمودن" و" *establish* بنانهادن" حدود 12.3 % دررساله مورد استفاده قرارگرفت این درحالی است که استفاده از ارجاع به خود نویسنده مانند "من"، "مرا"، "ما"، "محقق یا محقیقن" 39.04 %تمام نشان گر های موضع گیری راتشکیل می داد. بادرنظرگرفتن نشان گرهای تعهد، نتایج نشان داد که تمام نشان گرهای تعهد به غیرازنشان گرهای تعهد مانند سوالات و هدایت گرها درمتن داده ها وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که استفاده از کلماتی مانند Key درصد فراوانی 12.42% داشتند درحالی که درصد فراوانی افعال کمکی مانند have to, must, need, ought, و should 59.62% بود.

کلمات کلیدی: موضع گیری نویسنده، موضع، نشان گرهای تعهد، تحلیل متن، نگارش دانشگاهی

کلمه موضع "stance" بیانگر منابع معنایی، دستوری، ومتنی است که گویشگران ونویسندگان درهنگام تولید منابع نوشتاری و یا گفتاری به کار می برند ((Hyland, 2005. دربحث نگارش دانشگاهی، مانند سایر گفتمان های نوشتاری، موضع گیری " stance taking "شامل حرکت های است که به منظرو تعیین سطح تعهدبه بیان، توضیح اهیمت یک رویداد، ایجاد ارتباط فرضی با خواننده ( برای مثال با استفاده ازبرخی از حروف ربط وشکل دهی به پیام های متن) توضیح براداشت های اشتباهی قابل پیش بینی، وسایرارزش های مشابه می شود.

Hyland, 2005)).مطابق مطالعه انجام شده توسط Hyland (2005) ، تغییرات بین فردی، عینی ترین گفتمان اصلاحی راتشکیل می دهد، و متائثراز آگاهی نویسنده ازپویایی اجتماعی که درآن گفتمان وجود داردهدایت می شود. همانطور که Biber (2006) بیان می دارد، دستیابی به این آگاهی برای دانشجویانی که به دنبال یادگیری نگارش دانشگاهی هستند، چالش هایی ایجاد کرده است.

میزان اعتماد و منطقی که نویسنده می تواند از خود در گفتمان دانشگاهی بروز دهد به بحث های زیادی منجر شده است. از این رومتون بیشماری به وضوخ بیان نموده اند که عینیت objectivity” “ درعرف نگارش، به ویژه نگارش علمی، یک موضوع پذیرفته شده جهانی است. (Engelbretson, 2007) بنابراین، بسیاری ازنویسندگان دانشگاهی به دنبال فرونشاندن نقش شان به عنوان نویسنده هستند. این امردرتمایل نویسندگان به پنهان کردن خویش درورای بحث های علمی است (Hyland, 2005). با این حال، همانطورکه جنبه های متقاعدکننده، تحلیلی، و اطلاع رسانی نگارش دانشگاهی مستلزم نقش فردی نویسنده است( مثلا" درانتخاب منابع برای مطالعه، انتخاب داده ها برای تفسیرنتایج، و همچنین نحوه تفسیر نتایج)، باعینی بودن نگارش دانشگاهی درتضاد است

(Biber, 2006)

چالش های نگارش دانشگاهی به موضع گیری های نویسند گان درایجاد یک نگارش قابل اعتماد به ویژه درساخت معنای میان فردی مربوط است (Engelbretson, 2007). این چالش ها همچنین مواردی را دربرمی گیرد که نویسندگان زبان دوم درنگارش های دانشگاهی باآن مواجه هستند. شواهد بیانگرتوجه به چالش های نویسندگان زبان دوم دربه کاری گیری یک موضع موثردرنگارش دانشگاهی است (Engelbretson, 2007). توجهات زیادی برموضع گیری نویسندگان و زبان شناسان با پیش زمینه های نظری متفاوت شده است. (برای مثال Biber, 2006; Engelbretson, 2007; Hyland, 2005; Martin & White, 2005; Soliday, 2011)

.

همانطور که (1996) اشاره می کند، چالش های همراه با کسب دانش جدید بیشتر به نحوه بیان دانش آموخته شده برمی گردد. چنین چالش های می تواند به دانشجویان گویشور بومی وغیر بومی به عنوان مبتدیان ارتباط داده شود. مطابق نظر Johns (2008) ، دانشجویان مبتدی به دانشجویانی اشاره می کند که سطح دانش مناسبی درموردمتن، فرهنگ و زبان نگارش دانشگاهی ندارند. عدم آشنایی کامل با گفتمان دانشگاهی ومشکلات دستوری ، چالش های دانشجویان را به اوج می رسانند. مطابق Flowerdew (1999)، این چالش ها ادعاهای تولید دانش، بیان وپنهان کردن موضع نویسنده انجام می گیرد. با این حال همانطورکه Hammer and Green (2011) بیان می دارند، مفاهیمی مانند موضع گیری و صدای نویسنده عموما" به عنوان مهارت های شناختی درنظرگرفته می شوند.علاوه بر این مطالعات زیادی درموردابعاد مختلف گفتمان دانشگاهی به ویژه مشخصه های زبان شناسی که با بازنمود نویسنده مرتبط است. همچنین نویسندگان بیان نمودند که نویسندگان دانشگاهی همیشه به دنبال پنهان کردن نقششان نیستند و به جای آن آنها به دنبال ارزیابی مولفه های بافت محور وانتخاب گزینه هایشان براساس آنها هستند (Bazerman, 1988; Hyland, 2000, 2001). یکی ازچالش های اصلی نویسندگان زبان دوم درسطح دوره های تحصیلات تکمیلی موضع گیری آنها به عنوان نویسنده درنگارش های دانشگاهی است. این امر موجب ارتباط نگارنده با خواننده، بررسی و تحلیل آثاردیگران، پذیرش ارزیابی های جایگزین، وبحث های مختلف است (Hyland, 2004). کوتاهی در ارائه موقعیت نویسندگی اغلب موجب ارزیابی ضعیف دیدگاه نویسنده می شود (Barton, 1993;Schleppegrell, 2004; Wu, 2007).

مطابق Hyland (2008) نشانگرهای ارتباطی ، یکی از ویژگی های متن است که انعکاس دهنده درک نویسندگان ازخوانندگان بالقوه است. همانطور که Hyland اشاره می کند، نویسندگان در هنگام نگارش نیازمنداین هستند که حضور خوانندگان رادرک کنند، آنها را دربحث خود وارد کنند، توجه آنها را جلب کنند، و آنها را به عنوان مشارکت کنندگانی در نظر بگیرد که آنها را به درک درست هدایت می کند. نشانگرهای ارتباطی که توسط Hyland (2008) ارائه شده است، دراین تحقیق مورد بررسی قرارگرفته است. این نشانگرها درپنج دسته بندی شامل ضمیر، دستور، سوال، نشان ها، و دانش اشتراکی خوانندگان می شود.

مطابق نظریه نشانگرهای ارتباطی ارائه شده توسط Martin and White (2005)، معانی بین فردی درتعامل دوصدا رخ می دهد که "تک صدایی" و "چند صدایی" نامیده می شود. درنمایش نگاه نویسندگی، نویسندگان نیازمند ایجاد یک تعادل ( برای مثال درهنگام ارائه یک بحث ویا منطق اصلی) و یاصراحت (برای مثال ایجاد فضایی برای پذیرش سایر دیدگاهها ومبادله آنها باخوانندگان) هستند.

موقعیت مناسب برای ارزیابی بین فردی می تواند با تطبیق شخصیت و نگرش حرفه ای مناسب در ارائه ی تعیین هویت بهساز خود کمک کند(Martin & White, 2005). منظور از مشارکت یعنی، برای ارتباط با خوانندگان صدا را به صورت تک صدایی یا چند صدایی ترتیب دهند. در تک صدایی جایگیزینی ها به رسمیت شناخته نمی‌شوند، زیرا قادر به قرار دادن و تشخیص دیگر صداها و موقعیت ها نیستند.

علاوه بر این، اظهارات ارائه شده در مورد "تک‌صدایی" اغلب یک نقطه مهم برای بحث یا استدلال است، یا حاوی گزاره هایی است که به صورت تصویب پذیرفته شده اند و می‌پندارند که خواننده موضع نویسنده را به اشتراک می گذارد (Martin & White, 2005).

با این حال در رابطه با چند صدایی، چارچوب تعامل پیشنهاد می کند که چند صدایی ها میتوانند به تفصیل شرح داده شوند یا به صورت مختصر در نظر گرفته شوند. با توجه به Martin and White (2005)، تفاوت در هزینه هایی است که به لحاظ گفتمان، جایگزین مکان ها و صداها (گسترش گفتمان) شوند و یا در غیر این صورت، آن‌ها را به چالش کشیده یا محدود می کند. (انقباض گفتمان).

مطالعات این خصوص، با تمرکز بر صدای خواننده موضع را از زوایای مختلف بر مفاهیمی مانند دستگاه های هجی کردن برای ابراز توانایی (Hyland, 1998b)، ارجاع به خود (Hyland 2001) و سخنرانی‌ گزارش دادند. (Hyland, 2000).

همه این ویژگی ها، اگر چه در مورد موضع گرفتن بسیار آشکار باشند، جنبه ی خاصی از موضع را دربر می گیرند. بنابراین، مطالعه حاضر از مدل Hyland (2008) استفاده کرد که دقیق تر و نمایان‌تر بود. (Hyland، 2008).همانطور که توسط Zhao (2014) بیان شده است، صدا ساختاری است که تعریف نظری و عملیاتی خوبی برقرار نمی کند. همانطور که تداعی می شود، مطالعات بسیاری در تلاش برای به رسمیت شناختن اینکه آیا قدرت صدای نویسنده در متون کتبی قابل اطمینان می تواند مورد بررسی قرار گیرد یا خیر، انجام شده است. در یک مطالعه، Zhao (2013) یک رویکرد ترکیبی، برای توسعه و اعتبار یک بخش تحلیلی، با اندازه گیری قدرت صدا در نوشتن استدلال زبان دوم استفاده کرد. یافته های این مطالعه نشان می دهد که صدای نوشتاری در گفتمان کتبی عمدتا از طریق ابعاد ذاتی تحقق یافته است: "(1) حضور و وضوح ایده ها در محتوا؛ (2) شیوه ارائه ایده ها؛ و (3) حضور نویسنده و خواننده "(p. 201).

مدل ارائه شده توسط Zhao (2013) براساس Hyland (2008) بود و تنها در موضع گیری معتبر در نوشته های استدلالی که برای دیگر ژانرهای نوشتاری مناسب نیست، را تعیین می کند. بنابراین، به این نتیجه رسیدیم که استفاده از مدل ارائه شده توسط Hyland (2008) دامنه وسیع تری دارد و متداول‌تر است. علاوه بر این، همانطور که توسط Zhao (2013) بیان شده است، مدل Hyland (2008) به لحاظ مؤثری در بهره برداری از اجزای مختلف آن متکی است. یک دلیل دیگر برای اتخاذ مدل Hyland در مطالعه حاضر، اشتغال آن در بسیاری از مطالعات قبلی به عنوان یک پایه قابل اعتماد از تجزیه و تحلیل است. (به عنوان مثال Babapour & Kuhi، 2018؛ Hyland، 2008؛ Kuhi & Mojood؛ 2012؛ Noorian & Biria؛ 2010؛ Sayah & Hashemi 2014؛ Yazdani؛ Sharifi & Elyassi 2014).

موضع موقت در نوشتن تحقیق یکی از چالش های اصلی برای نویسندگان زبان دوم در سطح تحصیلات تکمیلی است (Wu، 2007). موضع گیری نوشتاری، نویسنده را قادر می سازد تا با خوانندگان ارتباط برقرار کند، کارهای دیگران را ارزیابی و تجزیه و تحلیل کند، ارزیابی های جایگزین را پذیرفته و برای یک وضعیت بحث کند (Hyland، 2004). عدم ارائه موضع نوشتاری منطقه ای اغلب موجب ارزیابی ضعیف از آینده پژوهی نویسنده می شود (Barton، 1993؛ Schleppegrell، 2004؛ Wu، 2007).

شواهد نشان می دهد که در مواجهه با مشکلات طولانی مدت نویسندگان سطح دوم، استفاده از موضع موثر ضرورت دارد. در سالهای اخیر توجه زیادی از نوشتن تحقیقات و زبان شناسان در زمینه های نظری مختلف صورت گرفته است (به عنوان مثال biber، 2006 Engelbretson، 2007؛ Hyland، 2005؛ Martin and White؛ 2005؛ Soliday، 2011).علی رغم ضرورت حیاتی و اهمیت کنترل موقعیت نوشتاری اصلی برای نویسندگان سطح دوم، نوشتن دستورالعمل برای این نویسندگان به طور کلی و نظری بوده است. (Hood، 2006).

نویسندگان L2 تنها با چارچوب نوشتاری بسیار رایج در کلاسهای نوشتاری خود ارائه می دهند، اما بدون حضور نمونه های خاص از نحوه نوشتن با توجه به موضع نوشتاری. تحقیق در زبان انگلیسی برای اهداف علمی (EAP) ادعا کرده است که هنگام تحصیل در آموزش نویسندگی پیشرفته، لازم است فعالیت های رسمی تغییر یابد. (مثلا Hood، 2006؛ Charles، 2007؛ Pho، 2008).علاوه بر این، تنها تعداد انگشت شماری از مطالعات (به عنوان مثال Babapour & Kuhi، 2018، Hyland، 2008، Kuhi & Mojood، 2012؛ Noorian & Biria، 2010؛ Sayah & Hashemi 2014؛ Yazdani، Sharifi & Elyassi، 2014) تا کنون در استفاده از نشانگرهای موضعی در متن ELT ایرانی تحقیق شد. به عنوان مثال، BabapourandKuhi (2018) یک مطالعه را انجام داد تا به طور متناقضی ستون های دیدگاه روزنامه های انگلیسی و فارسی را براساس فرکانس انواع نشانگرهای موضع تجزیه و تحلیل کند.

سیاح و هاشمی (2014) دو دستگاه خاص را به عنوان ویژگی های موقعیت و تعامل بر اساس مدل Hyland's (2005) و Prince، Frader و Bosk (1982) را دسته بندی و در مجلات علمی مختلف گفتمان ISI و غیر ISI مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیقاتشان نشان می دهد تفاوت های قابل توجهی بین مجلات ISI و غیر ISI در ویژگی های در حال توسعه مانند تردید، ارجاع به خود و تجدید نظر به دانش مشترک است. Hyland (2008) تعداد 240 مقاله پژوهشی را در هشت رشته مورد بررسی قرار داد تا ارجاع به خود و ضمایر مورد استفاده در متن را بررسی کند. او متوجه شد که ارجاع به خود و خواننده-ضمایر، که بطور خاص شامل آنها بود، در علوم انسانی و علوم اجتماعی بیشتر بود، در حالیکه دستورات تنها ویژگی تعاملی بود که بیشتر در رشته های سخت یافت می شد.

Yazdani, Sharifiand Elyassi (2014) نشانگرهای فرابافت تعاملی مورد استفاده در اخبار انگلیسی و فارسی در مورد رویدادهای 11 سپتامبر را مورد بررسی قرار دادند. تعداد 30 گزارش خبری فارسی و انگلیسی به صورت تصادفی انتخاب و برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از طبقه بندی Hyland's (2008) استفاده شد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که روزنامه نگاران آمریکایی از نشانه‌های فرابافت تعاملی بیشتر از روزنامه نگاران ایرانی استفاده می کنند. علاوه بر این، روزنامه نگاران ایرانی تمایل زیادی به استفاده از نشانه های ارجاع به خود و تعامل نداشتند.

هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان تائید دانشجویان دکترای TEFL است که در زمینه نوشتن پایان نامه های خود، موضع گیری و مشارکت دارند. مروری بر مطالعات قبلی (به عنوان مثال Babapour & Kuhi، 2018، Hyland، 2008، Kuhi & Mojood، 2012؛ Noorian & Biria، 2010؛ Sayah & Hashemi 2014؛ Yazdani، Sharifi & Elyassi، 2014)، نشان می دهد، هیچ مطالعه ای تا به امروز، تاجایی که محقیقن ازآن اطلاع دارند، میزان درگیری دانشجویان دکترای TEFL در زمینه نوشتن پایان نامه های خود، بررسی نشده است.

**مرورپیشینه تحقیق**

نگاهی به مطالعات انجام شده در رابطه با حضور نوشتاری در گفتمان علمی نشان می دهد که موضع نوشتاری با استفاده از چارچوب تحلیلی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. (Biber, 2006; Chang &Schleppegrell, 2011; Hyland, 1998, 2000, 2005, 2008; Koutsantoni, 2006; Thompson &Hunston, 2000). Hyland (2005) یک مدل برای تعامل در گفتمان علمی ارائه کرد که حاوی عناصری از موضع گیری است.مدل او دارای دو بعد، یعنی موضع و تعامل، بود. ابعاد نگرش مدل "ویژگیهایی هستند که به طرقی که نویسندگان خود را نشان میدهند و قضاوتها، نظرات و تعهدات خود را بیان میکنند" اشاره دارد.(Hyland, 2005, p. 176). این مدل بعدها به صورت تجربی توسط Hyland (2008) مورد استفاده قرار گرفت و مدل را از اعتبار عملی برخوردار کرد. مطالعه حاضر با استفاده از این مدل می تواند وضعیت موضع گیری و مشارکت دانشجویان EFL را بررسی کند.

جدول 1 مدل کامل تعامل در مباحثه علمی Hyland (2008) را نشان می دهد.

جدول 1. مدل تعامل مباحثه، Hyland's (2008).

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  |  | **مثال** | **عملکرد** |
| **تعامل** | **موضع گیری** | تریدها ها  | محتمل، شاید، ممکن | جلوگیری از نویسنده بیش از حد مطلق |
| قطعیت | همانند، به وضوح، ثابت کردن | ابراز نظر و همبستگی نویسنده |
| نشانگرهای نگرشی  | موافقت، ترجیح | نشان دادن عاطفه نویسنده، به جای معرفت شناسی، نگرش نسبت به گزاره ها |
| خودذکرها | من،ما | ارائه اطلاعات قیاسی، عاطفی و بین فردی |
| **مشارکت** | تلفظ های خواننده  | به ما اجازه دهید. | برای جلب توجه خواننده مورد استفاده قرار میگیرد |
| Imperative | افزودن | برای هدایت خواننده به اطلاعات اضافی استفاده می شود |
| دستورالعمل ها | باید | مورد استفاده قرار می گیرد تا خواننده را به سمت پذیرش یک نقطه فشار دهد |
| سوالات | هر سوال مورد استفاده | برای جلب توجه خواننده مورد استفاده قرار میگیرد |
| دانش مشترک | فرضیه نویسنده درباره دانش مشترک با خواننده  | ممکن است نویسنده را به شیوه ای کمکم کند که گویا محصول نوشته شده توسعه یافته است. |

 همانطور که در جدول 1 دیده می شود، ابعاد موضع شامل 4 عنصر تردید ها، قطعیت ها، نشانگرهای نگرش وارجاع به خود است. ابزارهای تردید، مانند "محتمل"، "ممکن" و "شاید" اجازه می دهند که نویسندگان از بیش از حد مطلق بودن جلوگیری کنند. از سوی دیگر، قطعیت ها عبارت هایی مانند "همچون"، "به طور مشخص" و "ثابت کردن" به وضوح بیانگر نظرات نویسندگان و نشانگر همبستگی نویسنده با خوانندگان بر اساس اطلاعات مشترک هستند.

بر طبق نظر Hyland (2005، ص 180)، نشانگرهای نگرشی نشان می دهد که رفتار عاطفی نویسنده، به جای معرفت شناسی، نگرش به گزاره ها، انتقال تعجب، توافق، اهمیت، سرخوردگی و غیره، به جای تعهد است. " در تلاش برای پاسخگویی به هدف مطالعه حاضر، پرسش زیر مطرح گردید:

تا چه میزانی، دانشجویان دکترای ایرانی TEFL، در نوشتن پایان نامه های خود موضع و مشارکت دارند؟

3.روش

3.1 آثار نوشتاری دانشجویان

داده های پژوهش حاضر شامل پایان نامه های شرکت کنندگان در مقطع تحصیلی مربوطه از قبیل PhD بود. برای این منظور، این پایان نامه ها یافت شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. جدول 2 اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان را نشان می دهد.

جدول

2. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| کاندیدهای دکترا | جنسیت | دانشگاه | فارق التحصیلی  |
| 1 | مرد | علامه طباطبایی | 1395 |
| 2 | مرد | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1394 |
| 3 | زن | دانشگاه شیراز | 1393 |
| 4 | مرد | دانشگاه مشهد | 1395 |
| 5 | مرد | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1394 |
| 6 | مرد | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1394 |
| 7 | مرد | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1395 |
| 8 | زن | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1395 |
| 9 | زن | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1394 |
| 10 | زن | دانشگاه خوارزمی  | 1395 |
| 11 | زن | دانشگاه تهران | 1394 |
| 12 | مرد | دانشگاه خوارزمی  | 1394 |
| 13 | مرد | دانشگاه خوارزمی  | 1394 |
| 14 | مرد | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1396 |
| 15 | زن | دانشگاه ازاد علوم تحقیقات | 1396 |

**3.2 روند کار**

برای گردآوری این مطالعه، محقق در ابتدا 15 داوطلب دکترا را به منظور جمع آوری داده ها خلاصه کرد. هر سوال از شرکت کنندگان پاسخ داده شد و ابهامات از طریق توضیحات کافی در مورد دلیل و نحوه استفاده از داده ها برداشته شد. همچنین به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که داده های جمع آوری شده فقط برای اهداف تحقیق مورد استفاده قرار می گیرند. پس از آن، تجزیه و تحلیل فصل های پایان نامه (1 تا 5) از طریق شناسایی استفاده شرکت کنندگان از دستگاه های نگرشی همانطور که در مدل Hyland (2008) نشان داده شده است، انجام شد. با توجه به ماهيت كيفي اين مطالعه، دو تحليل گر، نوشته ها را تجزيه و تحلیل کردند و از طریق تعیین میزان توافق بین امتیاز دو تحلیلگر، قابلیت اطمینان این روش تخمین زده شد.به عبارت دیگر، توافق ها و اختلافات بین نمره های دو تحلیلگر با استفاده از ضریب اطمینان Holist (1969) (C.R) محاسبه می شود، که تعداد توافق در کل تعداد تصمیمات کدگذاری را نشان می‌دهد. سپس، توصیف ومقایسه در استفاده از نشانگرهای موضع (ابعاد نگرشی) انجام و گزارش داده شد.

4. نتایج

4.1 پاسخ به سوال تحقیق

سؤال تحقیق در این مطالعه به بررسی نحوه پیشبرد اهداف دانشجویان دکتری ایرانی TEFL در موضع گیری و مشارکت برای نوشتن پایان نامه های آنها می پردازد. به منظور پاسخ به این سوال، عناصر موضع بر اساس مدل Hyland از تعامل گفتمانی شناسایی و تکرارهای آنها محاسبه شد. جدول 3 عناصر موضعی در بخش های مختلف پایان نامه ها و تعداد دفعات تکرار آنها را نشان می دهد.

**جدول 3. عناصر موضع در پایان نامه ها و شمارش فرکانس آنها**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **تردید ها** | **قطعیت ها**  | **نشانگرهای نگارشی**  | **خودذکرها**  | **مجموع**  |
| PHD پایان نامه ها (جمع) | 225 (23.80%) | 113 (12.38%) | 226 (24.76%) | 441 (39.04%) | 1005 (100%) |
| انتزاع  | 11 (4.88%) | 5 (4.42%) | 9 (3.98%) | 26 (5.89%) | 51 (5.07%) |
| مقدمه | 37 (16.44%) | 22 (19.46%) | 46 (20.35%) | 55 (12.47%) | 160 (15.92%) |
| مرور بر ادبیات | 81 (36%) | 49 (43.36%) | 79 (34.95%) | 134 (30.38%) | 343 (34.12%) |
| روش شناسی | 30 (13.33%) | 8 (7.07%) | 16 (7.07%) | 57 (12.92%) | 111 (11.04%) |
| نتیجه | 45 (20%) | 22 (19.46%) | 51 (22.56%) | 101 (22.90%) | 219 (21.79%) |
| نتیجه گیری | 21 (9.33%) | 7 (6.19%) | 25 (11.06%) | 68 (15.41%) | 121 (12.03%) |

 بر اساس تعداد تناوب، تردید ها حاوی 23.80 % درصد، قطعیت ها 12.38% درصد، نشانگرهای نگرش 24.76% درصد و ارجاع به خود% 39.04 درصد از موضع گیری بودند. بر این اساس، ارجاع به خود بیشترین عنصر قابل استفاده بود، سپس به ترتیب نزولی، نشانگرهای نگرش، تردید ها وقطعیت ها قرار می‌گرفتند.

در بخش های دیگر پایان نامه ها (انتزاعی، مقدمه، بررسی ادبیات، روش شناسی، نتایج و نتیجه گیری)، سازنده ترین موضع گیرنده، خودذکرها بودند و کمترین تکرار و استفاده، قطعیت ها بودند.

از دیدگاهی دیگر، همه انواع سازندگان موضع اغلب در بخش بررسی ادبیات پایان نامه ها دیده می شود. پس از بررسی بخش ادبیات، بخش نتایج شامل نشانگرهای موضعی بیشتری از جمله تردید ها، قطعیت ها، نشانگرهای نگرش، ارجاع به خود نسبت به بخش های دیگر پایان نامه ها بود.بخش بعدی که حاوی نشانگرهای موضعی بیشتری بود (همه انواع نشانگرهای موضع) مقدمه بود. با این حال، با توجه به روش شناسی و نتیجه گیری، تناوب در بین نشانگرهای موضع یکسان نبود. به عنوان مثال، درتردیدها، بخش روش شناسی (13.33٪) شامل تردید بیشتر از بخش نتیجه گیری (93.3٪) بود. در بخش قطعیت ها، بخش روش شناسی (8٪) شامل حمایت بیشتر از بخش نتیجه گیری (7٪) بود. اما در دسته های نشانگرهای نگرش و خودذکر ، بخش نتیجه گیری بود که بیشتر شامل نشانگرهای نگرش و خودذکر بود.در شاخص های نگرشی، بخش نتیجه گیری دارای فرکانس 11.06٪ بود در حالی که بخش روش شامل 07.07٪ نشانگرهای نگرش بود. در بخش ارجاع نویسنده به خود، بخش نتیجه گیری دارای تناوب 41/15 درصد در حالی که بخش روش شناسی شامل 12/92 درصد بود. سرانجام، بخش انتزاعی شامل حداقل مقدار از همه نشانگرهای موضع بود.بر اساس تجزیه و تحلیل، تردید ها شامل کلماتی مانند تقریبا، ظاهرا، تقریبا، در اطراف، برآورد، اغلب، به طور کلی، عمدتا، اغلب، کاملا، و نه نسبتا، می‌باشد. مثالهای زیر از پایان نامه ها نشان می دهد، استفاده از حروف درشت (bold-faced) توسط شرکت کنندگان دکترا صورت گرفته است.

***Apparent***

*It is* ***apparent****, to the teachers that were interviewed, that emotions are a fundamental way in which they respond to their students and their institutional contexts.*

*The need for second language writing became increasingly* ***apparent*** *as a result of the international expansion of English ….*

**آشکار**

برای معلمین مصاحبه شده واضح است که احساسات شیوه ای اساسی هستند که توسط آن‌ها به دانش آموزان و متن های سازمانی پاسخ می دهند.

نیاز به نوشتن زبان دوم به عنوان نتیجه ای از گسترش بین المللی زبان انگلیسی به طور فزاینده ای ظاهر شد ...

**اطراف**

...... هویت حرفه ای و هویت معنوی که عمدتا در اطراف ارزش های تعبیه شده در تدریس زبان انگاشته می شوند.

------ تعامل دانش آموزان در موضوعات بیان شده در مورد ایده هایی که به عنوان اصالت در آموزش اهمیت داده می‌شوند.

***Around***

*……professional identity, and spiritual identity which mainly revolve* ***around*** *the values embedded in English language teaching.*

*------engagement of the students in subjects expressed* ***around*** *ideas that matter as authenticity in teaching.*

***Estimated***

*However, the model of role of cognitive and motivational individual difference variables in writing,* ***estimated*** *by using …..*

*A full SEM model allows researchers to* ***estimate*** *both the links….*

It should be noted that all the instances of hedges specified in the list (See Appendix) were not found in the dissertations and only the ones found are listed above. Similar procedure was used to identify instances of booster in the dissertations. Based on the analysis the booster markers included *actually, believe(s), believed, certain, clear, definite, demonstrate(s), demonstrated, establish.* Some of the examples of these boosters are listed below:

**تخمین**

با این حال، مدل نقش متغیرهای تفاوت فردی شناختی و انگیزشی در نوشتن، برآورد شده با استفاده از ... ..

مدل SEM کامل اجازه می دهد تا محققان هر دو لینک ها را برآورد کنند ....

لازم به ذکر است که تمام نمونه هایی که در فهرست ذکر شده اند (رجوع به ضمیمه) در پایان نامه ها یافت نشد و فقط مواردی که یافت شده در بالا ذکر شده‌اند. روش مشابهی برای شناسایی نمونه های قطعیت ها در پایان نامه ها استفاده شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل نشانگرهای قطعیت شامل: در واقع، اعتقاد (باور)، مشخص، روشن، قطعی، نشان دادن (نشان می دهد)، نشان داد، ایجاد کنید.

برخی از نمونه های این قطعیت ها در زیر آورده شده اند:

***Actually***

***Actually*** *I judge my teaching from my students' points of view.*

*This body of research has shown that self-efficacy is a reliable predictor of students’ writing performance and mediates between what they believe they can write and what they* ***actually*** *write.*

**در واقع**

در حقیقت، تدریس من از دیدگاه دانشجویانم قضاوت می شود.

این تحقیق نشان داده است که خودکارآمدی پیش بینی قابل اعتماد از عملکرد نوشتاری دانش آموزان است و میان آنچه که آنها معتقدند می توانند بنویسند و آنچه که در واقع نوشته می شوند، میانجی است.

باور دارد

این مدرسه معتقد است که تفسیرها هرچه داریم هستند، و توصیف خودش فرایند تفسیری است.

او معتقد بود که به رسمیت شناختن افق های اهمیت، اهمیت جدیدی برای صداق بودن با خودم دارد.

با توجه به استفاده از نشانگرهای نگرش، تمام موارد نشانگرهای نگرش شناسایی شد و درصد آنها محاسبه شد. نشانگرهای نگرش شامل توافق، مخالفت، انتظار، ترجیح، مناسب و انتظار می‌رود و برخی از نمونه هایی از نشانگرهای نگرشی در پایان نامه ها به شرح زیر است:

***Agree***

*…..10 teachers ignored the emails, and 5 teachers didn‘t* ***agree*** *to participate in the study as they were busy and the study was time-consuming.*

*…..who* ***agreed*** *to participate in this project and those who answered the emails in spite of their*

*disagreement to participate in the study.*

موافقت

10 معلم ایمیل ها را نادیده گرفتند و 5 معلم با مشارکت در این مطالعه موافق نبودند، زیرا مشغول بودند و مطالعه زمان زیادی می‌برد.

... ..آن‌ها که موافقت کردند که در این پروژه شرکت کنند و کسانی که علیرغم عدم موافقت آنها برای شرکت در این مطالعه به ایمیل های خود پاسخ داده اند.

***Disagreeing*** *with appropriateness discussed in many books and papers which the participants read during the period of being EFL learners …*

*You know, we can say that we agree with this or we* ***disagree*** *with that.*

مخالف بودن

مخالفت به طور مناسب، مورد بحث بسیاری از کتاب ها و مقالات که شرکت کنندگان خواندن در طول دوره زبان آموزان EFL ...قرار گرفت.

می دانی، می توانیم بگوییم که با این موافق هستیم یا با آن مخالف هستیم.

**ارجاع نویسنده به خود:**

 آخرین رده برای تحقق موضع گرفتن در متون بود. براساس چارچوب تجزیه و تحلیل، خودذکرها در قالب خلاصه ای از کلمات مانند من، با من، مال من، ما،با ما،مال ما، محقق و پژوهشگر ظاهر شد. برخی از نمونه های ارجاع نویسنده به خود در پایان نامه ها به شرح زیر است:

*So,* ***I*** *was motivated to speak and show myself and my world.*

***I*** *try to be different at least by introducing new books and new materials in my*

*Class.*

بنابراین، من انگیزه داشتم که صحبت کنم و خودم و جهانم را نشان دهم.

من سعی می کنم با ارائه کتاب ها و مواد جدید کلاسم متفاوت باشد.

***Me***

*It was a great possibility for* ***me*** *to work with such a great and intelligent teacher….*

*…..structural and situational disadvantages made* ***me*** *commit myself to a more egalitarian perspective in teaching.*

من

این یک فرصت عالی برای من بود تا با چنین معلمی بزرگ و هوشمند کار کنم ...

... .. مناقشات ساختاری و موقعیتی من را متعهد به یک دیدگاه عادلانه تر در تدریس نمود.

بر اساس تجزیه و تحلیل، مشخص شد که دانشجویان دکترای ایرانی، موضع خود را در رشته های خود قرار می دهند. همانطور که در نمونه های فوق از بیشتر عناصر موضع گیری مشهود بود، با توجه به مثالی که در پایان نامه ها وجود دارد نشان می دهد که دانشجویان دکترای ایران می دانند که چگونه در متون علمی خود از موضع گیری استفاده کنند.

روش مشابهی برای شناسایی نحوه استفاده از دانشجویان دکترا از نشانگرهای تعامل در پایان نامه هایشان اتخاذ شد. بر اساس تجزیه و تحلیل متن، دریافت شد که استفاده از نشانگرهای تعامل بسیار کمتر از نشانگرهای موضع در پایان نامه های دانشجویان دکترای ایرانی بود. این مشارکت عمدتا از طریق استفاده از دستورالعمل در قالب ضرورت انجام می شود. جدول 4 تعداد دفعات استفاده از نشانگرهای تعامل توسط دانشجویان دکترای ایرانی را نشان می دهد.

جدول 4 تعداد دفعات استفاده از نشانگرهای تعامل توسط دانشجویان دکترای ایرانی.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مشارکت markers  | خواننده pronoun  | اصوات | سوالات | دستورالعملها (imperative) | دستورالعملها (obligation modals) | مجموع |
| مجموع  | 315(27.95 %)  | 140(12.42%) | 0 | 0 | 672 (59.62%) | 1127(100%) |
| انتزاع  | 0 (0%) | 19(13.57%) | 0 | 0 | 51(7.58%) | 76 (6.74%) |
| مقدمه | 45(14.28%) | 25(17.85%) | 0 | 0 | 123(18.30%) | 193(17.12%) |
| مرور بر ادبیات | 110(34.92%) | 41(29.28%) | 0 | 0 | 209(31.10%) | 360(31.94%) |
| روش شناسی | 2(0.63%) | 5(3.57%) | 0 | 0 | 63(9.35%) | 70 (6.21%) |
| نتیجه | 87(27.61%) | 29(20.71%) | 0 | 0 | 145(21.57%) | 261(23.15%) |
| نتیجه گیری | 71(22.53%) | 21(15%) | 0 | 0 | 81(12.05%) | 173(15.35%) |

تجزیه و تحلیل متن با شناسایی نشانگرهای موضع مشخص شده در چارچوب تجزیه و تحلیل انجام شد. در نشانگرهای چارچوب مشارکت به عنوان ضرایب خواننده مشخص شده است مانند اجازه دادن به ما، اجازه دهید، یکی، خواننده ما، شما، بازجوها مانند راه، به هر حال، کلید، سوال فکر استفاده از سوالات علامت (؟)، دستورالعملها(دستوری) مانند اضافه کردن، اجازه دادن، تجزیه و تحلیل، اعمال، ترتیب، ارزیابی، فرض، محاسبه، انتخاب، طبقه بندی، مقایسه، اتصال، در نظر گرفتن، مشورت، تفاوت، تعریف، نشان دادن، انجام ندهید و دستورالعمل ها (مودالهای اجباری) مانند باید، باید، باید، باید باشد. همانطور که در جدول 4.2 نشان داده شده است، استفاده از مودال های لازم، عناصر اصلی نشانگر تعامل (59.62٪) توسط دانشجویان دکترا است. به دنبال مودال های موردنياز، نامزدان دکترای از ضوابط خواننده مانند خواننده، خواننده، خواننده ما و ما بیشتر (95/27 درصد) استفاده می کردند. آخرین رده بندی نشانگرهای تعامل که اغلب توسط دانشجویان دکترا مورد استفاده قرار می گرفت، از جمله راه های، تصادفی و غیره (12.42٪) بود. با توجه به استفاده از نشانگرهای تعامل در بخش های مختلف پایان نامه ها، مدال های تعهدی اغلب در مرور ادبیات و به دنبال آن نتیجه، مقدمه، نتیجه گیری، روش شناسی و بخش انتزاعی به روش نزولی دیده می شود. با توجه به استفاده از تداخل، اغلب در بازنویسی ادبیات و سپس نتایج، مقدمه، نتیجه گیری، انتزاع و بخش های متداول در روش نزولی مشاهده شد. با توجه به ضرایب خواننده، ضمایر خواننده اغلب در مرور ادبیات و سپس نتیجه، نتیجه گیری، معرفی، روش شناسی و بخش انتزاعی به روش نزولی دیده می شود. بنابراین، نقطه اصلی تشابه در بخش پایان نامه ها این بود که مرور ادبیات بیشترین نشانگرهای تعامل را به دنبال بخش نتایج به دست آورد. بخش خلاصه شامل حداقل مقدار از همه نشانگرهای تعامل به استثنای بازدیدها است. به عبارت دیگر، طبقه بندی تداخل در اغلب موارد در بخش های روش شناختی رخ داده است و نه در خلاصه.در تجزیه و تحلیل کارهای رسمی خواننده به معنای استخدام کلمات مانند نامزدی و خواننده توسط نامزدان دکترای ایرانی بود. بعضی از نمونه های استفاده از ضمایر خواننده به شرح زیر است:

***One’s***

*This study probed the conceptualization of authenticity as being true to* ***one****‘s own self in choosing among the existing possibilities in teaching and investigated its link to Iranian EFL teachers‘and learners’ emotional life through critical emotional praxis.*

*Kellner (1973) asserted that the aim of inauthenticity is to maintain* ***one****‘s own standing in society and explained that……*

خویش

این مطالعه مفهوم سازی اصالت را به عنوان خود به خودی در انتخاب میان امکانات موجود در تدریس و بررسی ارتباط آن با آموزگاران زبان انگلیسی EFL و زندگی عاطفی دانش آموزان از طریق پراکسی عاطفی انتقادی مورد بررسی قرار داد.

Kellner (1973) تأکید کرد که هدف از عدم صلاحیت، حفظ موقعیت خود در جامعه است و توضیح داد که ......

***Reader***

*It creates verisimilitude, a space for the* ***reader*** *to imagine his or her way into the life experiences of another.*

**خواننده**

این ایجاد اعتدالی، فضایی برای خواننده است تا راه خود را در تجارب زندگی دیگران تصور کنید.

یکی دیگر از جنبه های تعامل، دخالت بود که تصور می شد استفاده از کلید کار توسط دانشجویان دکترا انجام می شد. بعضی مثالها به شرح زیر است:

***Key***

*The observation that students and teachers do not conceptualize authenticity in teaching*

*principally in relation to the existential, critical and communitarian perspectives was one*

*of the* ***key*** *findings that emerged from the analysis of repertory grid data.*

**کلید**

مشاهداتی که دانش آموزان و معلمان اصالت را در تدریس مفهوم نمی کنند.

به طور عمده در ارتباط با دیدگاه های وجودی، انتقادی و کمونیستی یکی بود.

از یافته های کلیدی که از تجزیه و تحلیل داده های شبکۀ مجتمع منتشر شد.

دسته بندی های مشکوک پرسش و دستورالعمل و یا ضروری، توسط دانشجویان دکترا به دست نیامده است. اگرچه سوالات در پایان نامه ها وجود داشت اما این سوالات یا سوالات تحقیق یا سوالاتی که در ضمیمه پایان نامه ها بود در جذب خوانندگان هدف نداشتند؟

با توجه به استفاده از مودال لزوم به عنوان دستورالعمل برای جذب خوانندگان، نامزدهای دکترا کلمات و عباراتی مانند "باید" استفاده کنند. بعضی از نمونه هایی برای استفاده از مدال به عنوان دستورالعمل به شرح زیر هستند:

***Have to***

*However, Sasaki (2009) proposed that due to the fact that ―foreign language students do not always* ***have to*** *set goals to survive in their L2 learning situations.*

*If Dasein itself were a being, one would then have to question the process by which a clearing were made for it to appear, and if that in turn were a being, one would* ***have to*** *question the process by which it appeared, and so on to infinity.*

**اجبار**

با این حال، Sasaki (2009) پیشنهاد می کند که به دلیل این واقعیت است که دانش آموزان زبان خارجی نمی توانند همیشه در اهداف یادگیری خود در زبان دوم قرار گیرند.

اگر Dasein خودش هستی بود، پس باید فرایندی را که برای روشن شدن آن ساخته شده بود، مورد سوء قصد قرار دهیم، و اگر این به نوبه خود یک هستی باشد، باید فرایندی را که به نظر می رسد مورد پرسش قرار دهند به همین ترتیب تا بی نهایت.

5. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی استفاده از موضع گیری و تعامل در پایان نامه های دانشجویان دکتری انجام شده است. متن این مطالعه شامل پایان نامه هایی است که توسط دانشجویان دکتری دررشته زبان شناسی کاربردی نوشته شده است. چارچوب تجزیه و تحلیل شامل شناسایی عناصر موضع گیری و تعامل است که توسط Hyland (2005) پیشنهاد شد. پس از شناسایی عناصر موضع و تعامل، تناوی و درصد آنها محاسبه شد. در مجموع، دانشجویان دکتری ایرانی از تمامی عناصر موضع گیری استفاده میکردند، اگرچه بعضی از عناصر بیشتر از سایرین حضور داشتند. به عنوان مثال، استفاده ازنشان گرهای قطعیت مانند واقعی، اعتقاد، معتقد، مشخص، واضح، قطعی، نشان داده شده و ایجاد شده در پایان نامه ها در حدود 12.38٪ در حالی که استفاده از ارجاع به خود مانند من،با من، مال من، ما، با ما، مال ما، محقق و محققان در حدود 39.04٪ از همه نمونه هایی از نشانگرهای موضع استفاده شده توسط نامزدان دکترا حضور داشتند. با توجه به این تعامل، مشخص شد که تمام نشانگرهای تعامل در این مقاله به جز نشانگرهای تعامل مانند سوالات و دستورالعمل (ضروری) حضور داشتند. همانطور که در موضع گیری عناصر تعامل وجود دارد با درجه های مختلف. به عنوان مثال، استفاده از بازدیدها مانند استفاده از کلمه کلید 12.42٪ بود در حالی که از نوع مدال مانند "باید" 59.62٪ بود.

یکی دیگر از یافته های این مطالعه این بود که بیشتر نشانگرهای موضع و تعامل در بخش بررسی ادبیات پایان نامه ها یافت شد. این یافته را می توان در زمین توضیح داد که بخش عمده ای از مطالعات در مورد استدلال های تئاتری و توجیه در مقالات بازنویسی پایان نامه ها (Hart 2001) یافت می شود. با در نظر گرفتن این واقعیت که ایجاد موضع برای بازتاب ارزیابی و نظرات نویسندگان با استفاده از معیارها و شواهد ارزیابی است، انتظار می رود که مقدار زیادی از نشانگرهای موضع در بخش بررسی ادبیات مورد انتظار باشد. طبق گفته Hyland (2005)، موضع گیری شامل مراحلی برای تعیین سطح تعهد به اعلامیه، اهمیت شواهد، تساوی با خوانندگان داستانی (به عنوان مثال، ایجاد امتیازات و شکل دادن به اطلاعات عمومی)، توضیح سوء تفاهم های قابل پیش بینی، و دیگر مقادیر تعاملی می‌باشد. از سوی دیگر، بخش انتزاعی حاوی حداقل میزان سازندگان موضع و تعامل است که می تواند به طبیعت و عملکرد خلاصه در نوشتن آکادمیک مرتبط باشد. توضیح می تواند این باشد که انتزاعی یک گزارش کوتاه در مورد محتوای یک مقاله (Lorés-Sanz، 2004) است و مکان زیادی برای استدلال و موضع گیری وجود ندارد. بنابراين انتظار نمانده است كه در مقاطع انتزاعي پايان نامه ها نسبت به ساير بخش هاي پايان نامه، موضع بسيار زيادي را در نظر بگيريم.

بر اساس نتایج فوق، به این نتیجه رسیدند که به طور کلی دانشجویان دکترای ایرانی آگاهی کامل در مورد استفاده از نشانگرهای موضعی و مشارکت داشتند و می توانستند از آنها در رشته های خود استفاده کنند. این یافته در همه جای تعجب نبود زیرا اولا آنها در زبانشناسی کاربردی تخصص داشتند و احتمالا قبلا با مفاهیم زبان شناسی مانند نوشتن آکادمیک، استدلال، ژانر و غیره آشنایی داشتند. در مرحله دوم، داوطلبان دکترا تعداد زیادی از مقالات علمی را که ممکن است به آنها کمک کرده اند،از عناصر موضعی در نوشته های خود استفاده کنند. در این راستا، بسیاری از محققین گزارش کرده اند که بین نوشتن و خواندن رابطه مثبت وجود دارد (به عنوان مثال Hany، 2007؛ Zainal & Husin، 2011؛ ​​Almansour & Alshorman، 2014؛ صالحی، اصغری و امینی، 2015) که این ادعا را تکرار می کنند که کاندیدای دکترا مقالات علمی بر نوشتن آکادمیک آنها تاثیر گذاشته است.

شامل بحث نظری از زبان انگلیسی برای هدف خاص است که آنها را با انتظارات جامعه گفتمان از نوشتن آکادمیک، از جمله موضع آشنا می کند. سایر مطالعات همچنین گزارش دادند که کاندیدان دوره های مرتبط با زبان انگلیسی را برای دوره های آموزشی آکادمیک، با تمرکز بر روی آگاهی های لفظی (مثلا Belcher، 2004؛ Casanave، 2003؛ Swales & Feak، 2000) می‌گذرانند.

نتیجه گیری کلی از یافته های این مطالعه این بود که دانشجویان دکترای ایرانی آگاهی کافی نسبت به نقش اساسی موضع گیری در نوشتن آکادمیک دارند و بهترین کار را برای صدور و موقعیت خود در نوشتن آنها انجام می دهند. علاوه بر این، آنها در سخنرانی های خود موضع گیری می کنند و دیدگاه خود را از این نظر بازتاب می دهند، هرچند که در حساب هایشان اعتراف می کنند که مهارت هایشان در موضع گیری نوشته هایشان رضایت کامل ندارند.در نهایت باید ذکر کرد که بحث های فوق، توضیحات و استدلال های فرضی است که با مطالعات قبلی و اطلاعات موجود در اختیار محقق به عنوان عضو جامعه دانشگاهی در TESOL در ایران حمایت می شود. به عنوان کاندیدای دکترا، من شاهد آن بوده ام که چگونه دانشجویان کارشناسی ارشد در برنامه های TESOL در ایران از کمبود زبان انگلیسی رنج می برند. به طور مشابه، بسیاری از دانش پژوهان در مورد ژانر و نظریه های نوشته می دانند، اما در عمل آنها اعتماد ندارند و همچنین مهارت هایی را برای اعمال دانش خود برای حل مشکلات نوشتاری خود ندارند.

علاوه بر این، آنچه در تحقیق حاضر نشان داده شده است نشان می دهد که دانشجویان دکترای ایرانی از نوشتن آنها در موقعیت و نشانگرهای تعامل استفاده می کنند، اما نشان می دهد که به درستی از نشانگرهای موضع و تعامل برای نشان دادن صدای شخصی خود استفاده نمی کنند. بنابراین، کاملا فرض است که فرض کنیم که نامزدان دکترای خود را در مورد موضع گرفتن و نوشتن علمی به دلیل دوره ای که گذشت و خواندن آنها انجام داده اند و از این دانش برای استفاده از نشانه های مشخص و نشانگر تعامل در نوشتن آنها استفاده کرده اند. با این حال، نمی توان انتظار داشت که آنها موضع گیری و تعامل درست را در نوشته های آکادمیک خود داشته باشند.